

مدیر کل

جلال الدین الحسینی مؤید الاسلام
صاحب امتیاز روزنامه هفتگی
و یومیة (جبل المتین)
(عنوان مراسلات)
طهران خیابان لاله زار
نائب مدیر میرزا سید حسن کاشانی
دبیر ادارة انا شیخ یحیی کاشانی
غیر از روزهای جمعه همه روزه
طبع و توزیع میشود

یومیة

جبل المتین

۱۳۱۱

طهران

قیمت اشتراك سالیانہ
طهران ۳۰ قران
سایر بلاد داخله ۳۵ قران
روسیه و قفقاز ۱۰ منات
سایر ممالک خارجه ۳۰ فرانک
(قیمت يك نسخه)
در طهران يكصد دینار
سایر بلاد ایران سه شاهی است
قیمت اعلان مطری
دو قران است

روزنامه یومیة ملی آزاد سیاسی اخباری تجاری علمی ادبی مقالات عام المنفعة
بامضا قبول و درانتشار اداره آزاد است

یک شنبه ۲۴ جمادی الاخری ۱۳۲۵ هجری قمری و ۱۶ مرداد ماه جلالی ۸۲۹ و ۴ اوت ۱۹۰۷ میلادی

معذرت

روزنامه یومیة را وظیفه آید که این جشن شایان
را که نظیرش تا کنون در ایران دیده نشده بتفصیل
هر چه تمامتر بنویسد و بعضی مشترکین محترم برسانند ولی
این وظیفه را تا کنون اداء نکرده و این دامت بزرگ
را شرح نداده است و شاید بعضی قراء معظم ملامت
کنند و ما را به مسامحه در اداء وظایف خود ملامت
نمایند لکن عذر ما بر همه واضح و در نزد جمعلگی
پذیرفته است زیرا که در ان موقع مسعود که تمام ملت را
دل هاد و دیدگان روشن بود ما را بواسطه توقیف جریده
چگر خونین و دیده سگریان و حواس پریشان بسود
نه حالت تماشا و تفریح داشتیم و نه طاقث تامل و دقت در
اوضاع جشن و یاد دامت کردن کیفیات و جزئیات خاطری
افسرده و روانی پز مرده داشتیم اگر چه از همدردی
برادران عزیز وطن و جع درون اندک را تسکین حاصل
میشد ولی باینهمه جای ملامت نیست و کسی گویا حق
اعتراض بر ما نداشته باشد -- بهر حال از تاخیر معذرت
میخواهیم و اکنون بتلاقی قیام میکنیم

جشن سال دوم مشروطیت ایران

روز اول سال دوم مشروطیت که ۱۴ شهر جمادی الثانیه
بود ملت نجیب ایران بشکرانه این موهبت عظمی و
علیه کبری مشغول جشن و عادیانی گردیده عمارت بهارستان
که نقطه مرکزی عدالت و مشروطیت و مرکز دائره توجه
ملت و محل وضع و نشر قوانین است باصورتی دلکش
وزیا چون عروسان مهوش جلو کر گردید داخله این

عمارت وسیع و جاو خان انرا که فضاء وسیعی و چند هزار
ذرع مربع است بنحوی آراسته و آذین بسته بودند که رشک
بهشت برین و غیرت دیدار حورالعین گردیده بود بهار عیش و
خری در بهارستان ظاهر گشته و نکارستان رشک نکار خانه چینی
گردیده بود بهار چهای الوان در و دیوار را پوشانیده و صدلی و نیز
و نیم کتسهای پسا کیزه دور تا دور را احاطه
کرده آینههای بزرگ قدی و علمهای رنگارنگ و بیرقهای
بزرگ و کوچک بر زینت منظره آن افزوده بود --
تمثال شاهنشاه مغفور و پرور که عطا کننده نعمت آزادی
و نجات دهنده ملت از زنجیر عبودیت است در بالای
سر در عمارت و صورت اعلی حضرت اقدس همیونی که
مروج مشروطیت و پشت و پناه عدالت است در پایین تمثال
پدر بزرگوارش نسب شده مقتولها از یمن بیسار و عمال
بجنوب ممتد گردیده و وسیله اشاعه نور و روشنائی گشته
هر طبقه از برادران وطن غرغه از غرغات یعنی یکی
از طاقهای دور را بخود اختصاص داده و لوحه انجمن
خود را در بالای آن نصب نموده و دامان خدمت برای
پذیرائی واردین بر کمر زده مجلسی برپا نمودند در غایت
جلال و طنطنه و نهایت شکوه و دبده لوازم پذیرائی از هر
قبیل چون شربت و شیرینی و مرطبات و تنقلات کوه
کوه در وسط غرفها روی میزها چیده هر جور خوردنی
و آشامیدنی حاضر و مهیا کرده در وسط این فضاء
اسباب آتش بازی را بسالوان و اشکال مختلفه تمسیه
و نصب نموده چراغ برق بسیار بزرگ باشکوهی
در وسط حقیقی آویخته که همه فضاء
را روشن مینمود راستی تا ایران ایران کشته و این قطعه خاک
را خدا آوریده چنین جشنی و مجمعی باشکوه در خود

لدیده بلکه در سایر مسالك نیز نظیرش شنیده نشده بود — بزرمگاه پرویز در مقابل انکابه تاریک مینموده — و عیش بهرام گور در برابر این جشن بهیچ بود — فرنگیان که بیعتاً حاضر شدند تمدیق نمودند که در هیچ مملکتی این گونه جشن نراندیده و فریفته انرا شنیده اند خصوص از حیث نظم و آرامی گوئی جمله حضار و اله و حیران و چون برادران مهربان اند — طایفی رفیع مشتعل بردو طبقه تحتانی و فوقانی خوش اندام و پاکیزه چون آروی دلبران باحظا آراسته و انواع ترینات بپراسته در جلودرب عمارت ساخته و پرداخته بودند که هیچیک از عمارت دولتی را که بمصارف زیاد استادان ماهر در چندین سال ساخته اند باوی موازنه نمیتوان کرد و بر پردهای بیرق باخطوط جلی که چون خط ابروی یار دل میرد و غم از خاطر میبرد نوشته بود (زنده باد شاهنشاه ایران) (زنده باد سید بن سدید) و زنده باد آزادی و بر بعضی دیگر مرقوم بود

(برادری ، برابری ، عدالت ، مساوات ، مساوات ،)
عصر روز پنجشنبه شروع بجشن شد نوبتالان بوستان وطن و نوآموزان دبستانها با هیئتی منظم بشکلی خوش و ترتیبی صحیح بادستهای کل و بیرق دسته دسته بانظام وارد شده و بخطابهایی وطنی و اشعار و ایات مناسب و سرود ملی زنگ از دل تماشاگران ربودند بقدری وضع و سرودشان مؤثر افتاد که همگان را مبهوت ساخت زبان بتحصین و لب بافرین کشودند و سایر طبقات ملت نیز فوج فوج خندان و شادان هلهله کنان و کف زنان با حالتی بشاش و غم خراش حول ان کبه مقصود طواف میکردند یکدیگر را تبریک و تهنیت و مبارکباد مکتفند و چون روز جلوس جمشید انوشه روان عید پنداشتند آری در همین روز است که جمشید عدالت و فریدون مشروطیت و نوشیروان قانون براریکه دولت و سلطنت منکی کردید و ملت را از چنگ استبداد ضحاک سیرت نجات بخشید بشکرانه این تغییر مجاری امور سجدهات شکر جملگی بتقدیم میرسانیدند و از این شراب مشروطیت همگان سرمست بودند —

مقابل درب عمارت بهارستان را بفاصله زیاد از یکصد ذرع ملت نجیبه زرد شتیان طاق و شادروان بر آراشته و اساسه سرور فراهم کرده بودند و آنچه از حد کفتن و هئیدن بیرون است تجملات مرتب ساخته بودند شربت و لیمونات چون آبجوی بیسقدار بود شربتی بمشابه خاک واه نعل اعتناء نبود — لوازم آتشبازی را بتوسط اوزیر مخصوص از قورخانه دولتی آورده و در وسط نصب کرده بودند هنوز خورشید سالم تلب شروب نگرده بود که

انوار و اشمه صد هزار چراغ برق و شمع و نطق فضا را چون روز روشن نمود و منظری قشنگ بحاضرین نشان داد — حاجتین علیتین و آیتین الهیتین و سایر علماء اعلام و وزراء فخام و وکلاء عظام و سفراء دول متحابه و سایر اعیان و اشراف و بزرگان شرف حضور بهم رسانیده و نهایت احترام و تجلیل دیدند —

بندکان اعلی حضرت قدر قدرت همیونی که بنا بود مجلس را بقدم مهر لزوم زیب و زیور دهند و بواسطه اندک کسالتی ممکن نشد تشریف فرما شوند الطایف باطنی را بتوسط دستخط مبارک جموم ملت آشکار فرمودند که عینا درج میشود

جناب اشرف انابك اعظم در این موقع که ملت شاه پرست ایران بشکرانه تاسیس واء ـ طایف کسالتی توسیون که از عطایای بزرگ پدر تاجدار ما بوده جشن ملی گرفته و وظیفه شاه پرستی و دولت خواهی خود را بموقع ظهور و بروز آورده مکنون خاطر همایون ملت دوست مارا در اقامه این جشن بجا آورده اند بانجناب اشرف امر و مقرر می فرمائیم که مراسم و مسرات ضمیر مقدس همایون مارا شفاها به مجلس شورای ملی ابلاغ نموده از طرفی قرین الشرف ما المقاد این جشن واقفانه این اساس مقدس را تبریک و تهنیت گفته نیت مقدسه مارا که همیشه مصروف بانتظام عظمت دولت و خیر و رفاه رعیت و ترقی و تمدن ملت است اظهار دارید امیدواریم انشاء الله باتحاد و اتفاق وزراء صدیق و وکلای امین که در این سال دهم تاسیس این اساس مکنونات خاطر ما و کانه مادر نظم امور و پیشرفت مقاصد دولت و ملت بیشتر بقظهور آمده مملکت قدیمه ما انشاء الله بسرعت هر چه تمامتر باعلی درجات تمدن و ترقی نائل شود

۱۴ جمادی الثانیه ۱۳۲۵

بعد از قرائت دستخط همیون عموم حاضرین صدا هارا بزنده باد شاهنشاه زنده باد عدالت ، نیست باد استبداد ، بلند کرده جوانان از شادی روی باقرار نمیگرفتند و آرام نداشتند سلطان المداحین مدیر محترم روزنامه انصافی برای مسرت عموم دستخط همیون را بهر صقمی برده و بیانک بلند قرائت نمود و همچنان از هر گوشه ندهای فوق بلند شد — بعد از آن آتشبازی شروع شد جو هوا چون آسمان جای ستارگان گردید موشکها بمشابه ستارهای دنیا له دار بر فلک بلند میشد شکل صمود و تزلزل انها منظری بسیار مقبول تشکیل میداد کمتی تاریکی از جو هوا فرار کرد و شب دیبجور چون چهره خورشید هر که از دور دیدی خیال کردی قاتر نجوم گشته و آفاق پراز ثوابت و سیاره گردیده چند ساعت فتوالی آتشبازی بازارهای کرم

و با انواع بدایع نظیرین را بخود مشغول ساخته بود گاهی چون عسله جوانه دورردی و زمانی چون غلاله گیسوی یار از بالا دسته دسته سرنگون کشتی لطف کار و حسن اتفاق اینجا است که این همه آتش که متعل از آسمان میریخت جانی را نسوزانید و برفه وارد نشد و بحقیقت انشب پنبه و آتش مصالحه کرده و از ضدیت دست برداشته بودند که با کمی فاصله و زیادی آتش و فراوانی پارچها ابداء اشتعالی رخ نداد نظم و انتظام را مافوقی متصور نبود الحق اداره نظمیه حسن کفایت و لیاقت بروز دادنه دونفر را با هم ستیزی پیدا شد و نه دیناری از احدی تفریط کشت نه کسی زیر دست و پا ماند و نه هجوم خلق باعث شکستن اسبابی گشت — راستی لطف خدا شامل بود و گرنه از تدبیر بشر این آرامی خارج مینمود — شب را بخوشی و عیش بیابان رسانیدند و روز جمعه بساط را از نو گستردهند و تا عصر در بهارستان کار جشن مرتب بود عصر جمعه برای ترویج روان بخشنده آزادی و عطا کننده موهبت مشروطیت در تکیه دولتی بر سر مقبره پادشاه خلد مکان بزرگ مظفرالدین شاه عادل که صیت عدل و دادش نام نوشیروان را از خاطر ها برد و شهرت بزرگیش آفاقرا احاطه نمود رفته و عرض تشکر از روح پر فتوح آن شهسوار پاک نهاد نموده و پاس حقوق آن پادشاه رؤف را که ملت ایران را بخلعت آزادی مخالع فرمود بجای آوردهند جناب آقای حاجی ملک المتکلمین نطقی مفصل دادند که خلاصه مضمون آن قریب باین است :

(بزرگ پادشاهار عیبت و ملت برای عرض تشکر بخدمت آمده اند توئی آن بزرگ پادشاهی که تا اید نام نایت عوان کناجیه مفاخرت پادشاهان ایران است و محبت و دوستی است از قلب ملت شاه پرست بیرون نمی رود — توئی صاحب آن کرامت نفس و بزرگی که بیک نگاه مرحمت ملت را از زیر فشار استبداد نجات دادی و از چنگال ستم رهائی بخشیدی منت عطیمی بر اهل عالم نهادی و عالم انسانیت را رهین منت ساختی و پسرزند دلبندت که اکنون شهسوار تاجدار ماست وصیت درباره قوم ضعیف ایران فرمودی و باجرا ف قوانین عدل و داد امر نمودی — تا مگر ایران ویران گلستان شود و دولت ایران در شماره دول قویه عالم در آید — پاکدام زبان توانیم ستایش کنیم و با چه خدمت یاس حقوق بداریم توئی بزرگترین و عادلترین سلاطین اسلام که تاریخ دنیا اسم شریعت محافظت ابدی خواهد نمود — اینک می بینم که روایت با هزار ملاطفت بسوی این منت ضعیفان نکران است و همی فریب داریم که روزگار همار چنین نصتی را از ما

سلب کرد و خاک غم بر فرق ما ریخت — خدایت رحمت کند که هیچ از عدل فرو نکذاشنی باحلالی خود نیز آنچه باید و شاید امر کردی — لکن افسوس که مهربان سده سنیه سلطنت پادشاه مهربان ما را بحال خود نمیگذارند و خاطر صافش را بکدورات کاذیب و مفتریات مکرر میسازند و او را از ملت شاه پرسد خود بدکمان می نمایند — ای پادشاهی که خاک قدمت توتیبای دیده ماست سر از لحد بر دار و بحال زار ملت و رعیت بیچاره خود نظری کن که چگونه از شتابت در باریان گرفتار مذلت کشته و تا چه درجه حالت یاس و ناامیدی بدانها روی نموده امان از دست این خیانت کاران در باری که قلب پادشاه ما را مشوب کرده و برای منافع خود بین مات و دولت غبار تقار افکنده اند)

شب دیگر باز ترتیب جشن و سرور برقرار بود و غیر از آتشبازی همه تفصیل برقرار سابق بود و با کمال خوبی ختام یافت جزئیات این جشن را بواسطه تنگی مکان صرفی نظر نمودیم شاید در آتی باره را متعرض شویم (صورت طاقهای طرفی بعین)

انجمن اتحادیه استیفاء . انجمن جنوبی ایران . انجمن اتحادیه صرافان . انجمن خراسان . انجمن خیاطها . انجمن اتحادیه ارامنه تبعه ایران . انجمن اتحادیه اصنافی . انجمن سعادت دروازه قزوین . انجمن برادران دروازه قزوین . انجمن روزنامه مجلس . انجمن مدیران جراید . انجمن سعادت شهر نو . انجمن مسودت . انجمن خیریه محله بازار . مدرسه فلاح . انجمن افتخاریه کوجه غریبان . انجمن لشکر نویسان . طایفه بنی اسرائیلیان .

صورت طاقهای طرفی یسار

مدرسه مبارکه اقدسیه . انجمن دانشمندان . مدرسه مبارکه دارالفنون . مدرسه مظفری . انجمن مهدیه . انجمن خیریه محمدیه . قورخانه مبارکه . انجمن شمالی ایران . انجمن محمدیه بهارستان . انجمن معمارخانه انجمن افتتاحیه مخزن . انجمن اتحادیه غیرت . انجمن عراق عجم . انجمن فاطمیه . انجمن برادران سر چشمه انجمن اتحادیه سعادت . انجمن اتحادیه آذربایجان . انجمن مرکزی برادران . انجمن اتحادیه طلاب . انجمن حسینی . انجمن متحد اجزاء مطبوعات حروفی . اتحادیه قزوین . انجمن اتفاق دروازه قزوین

از قرار اخبار واصله کاشان نیز در دولت حکومت با حکومتی منقد نمود . و حکومت همه قسم مساعدت خود را با مشروطیت ظاهر ساخته است

بعضی از وکلاء در مجلس قرار مجلس بگذرد نمایند ولی خود عدلیه وا گذارد بوظیفه خود که بعضی دیگر نموده و گفتند نیست همه امور این امر که خیر چند ماه است که جات نوشته شده تقصیر کرده است برای نظارت این حکمی را که است شرعی بود فقط رائی بود بنظر ایشان را کردن آنرا و از آن صورت را کرده است و باین عدلیه نباید شد فقط رای شد بودند علاوه ولی همینکه غلط است پس اطمینان داشته ظلم او گفته در این باب حضور چند خراسان با و عدلیه داشته وزارت نمودند قرار تشکیل داده جناب و اجازه سه ماه واستعلاج نزار و اغلب وکلاء و هورا بشمار اجمال ماند

خلاصه مذاکرات مجلس دار الشوری

پنجشنبه ۲۱ شهر جمادی الثانیه

بعضی از وکلای چنین اظهار داشتند که اگر چه بریروز در مجلس قرار بر این شد که امر سالار مدغم در مجلس بگذرد و حکم او را حکام شرع در اینجا معین نمایند ولی خوبست که مجلس این مسئله را بموده همان عدلیه واگذارده یا رجوع بمحاکم شرعیه کند و بوظیفه خود که وضع قوانین است عمل نماید

بعضی دیگر از ترتیبات محاکمات عدلیه شکایت نموده و گفتند چون ترتیبات وزارتخانهها امروز مرتب نیست همه امور را باید مجلس اصلاح نماید خصوص این امر که خیلی مهم و از وظایف مجلس است چنانچه چند ماه است که این امر را پی کرده و در تمام روز نامه جات نوشته شده است اگر مجلس بخواهد بمسأله بگذراند تقصیر کرده است بعضی از وکلاء ایراد نمودند که چند نفر وکیل که برای نظارت این امر در کمیسیون عدلیه حاضر شده بودند آن حکمی را که دادند و مهر کردند از روی چه قانون بوده است شرعی بود یا عرفی گفته شد که اولاً وکلاء حکمی ندادند فقط رائی بود در این باب بر حسب عرف و وجدان شخصی بنظر ایشان رسیده بود اظهار رای کردند نوشتن و مهر کردن آنرا وزارت عدلیه تقبل کرده و وکلای را کول زده که آن صورت را بمجلس وزرا برساند که مجلس چنین حکم کرده است و باین اسم مجلس را بد نام نماید دیگر آنکه وزیر عدلیه نباید شخصاً رای بدهد ولی آنچه بود در اینجا فقط رای شخصی او بود و اجزاء همه تابع رای او بودند علاوه رای خود اجزاء عدلیه هم باری وکلا بود ولی همینکه باو ارائه دادند انداخت دور و گفت این غلط است پس چنین وزیر عدلیه را مجلس نباید باو اطمینان داشته باشد بعضی از شکایات دیگر و خیانت و ظلم او گفته شد بعد از مذاکرات و مباحثات فوق العاده در این باب قرار شد که در عصر یکشنبه در مجلس در حضور چند نفر از علماء وکلا و حجج اسلام و وکلای خراسان با وکلاییکه نظارت در تحقیق این مطلب در عدلیه داشته تحقیق و رسیده می شود ۱۱۱

وزارت مالیه در باب تشکیل بانک ملی اظهاری نمودند قرار شد که از روز دوشنبه مجلس فوق العاده تشکیل داده در چند مجلس متوالی این مطلب بانام پذیرد جناب امام جمعه خوئی رفته نوشته بودند بر استیذان و اجازه سه ماهه مسافرت باذر بایجان محض رفع نقاحت و استعمال نزاج قرائت شد بعد از قرائت جناب رئیس و اغلب وکلاء این مسافرت را اجازه ندادند و تبدیل آب و هوای بصران حواله نمودند بدان مذاکرات در بوته اجمال ماند

از وزارت فوائد عامه سؤال از معدن طلای ساوج بلاغ مگری شد که عساکر عثمانی میخواهند ببرد چه اقدامی شد گفته شد که از سردار مگری خواسته شد که باسوارهای خود ممانعت کند و نگذارد اوهم در تهیه هست و البته اقدام خواهد شد

از وزرات امور خارجه سؤال شد که وکلای که از طرف دولت عالییه ایران در کنفرانس لاهه و صلح عمومی رفته در این مدت چه خدمت و چه کاری کرده اند گفته شد که آنها هم مثل سایرین مشغول کار هستند و مذاکره می نمایند

از وزارت مالیه سؤال شد که در باقی مانده مالیات سال گذشته که قریب هشتصد هزار تومان است در نزد حکام منسوب و معزول چه اقدامی شده است و چرا نمیگیرند جواب داد که از من اخطار است اما وصول یا اجبار در این مملکت بامن نیست باید گرفته شود و حساب آنها رسیده نمی شود بنامش که آن صورتها را وزیر مالیه بمجلس ارائه بدهد و مجلس وصول آنها را بخواهد (مجلس ختم شد)

تلگرافات خارجه

از لندن سفیر کبیر انگلیس مقیم در باروس وارد لندن شده است غرض از این مسافرت و عزیمت مذاکرات مربوط بقرار نامه های منقده بین انگلیس و روس است قرار دادهای مذکور بطور دلخواه پیشرفت می نماید ولی هنوز مسائل غامضه بسیار است که مطرح گفتهگو است چنانچه افلا چند هفته مدت لازم دارد که قرار قطعی انجام و اختتام بعضی مسائل داده شده و بصورت رسمیت اعلان شود

مخبر روتر از طهران خبر میدهد که امتیاز نامه بانک آلمان پس از رفع اعتراضات و احداث بعضی اصلاحات مجدداً بمجلس پارلمان پیشنهاد شده مجلس آنرا قبول نموده ولی مدت امتیاز راسی سال بیشتر نپذیرفتند سرمایه بانک مزبور دو بیست هزار لیره است

رورنامجات نیویورک اخبار متوالیه طبع و نشر مینمایند مبنی بر اینکه در تقاطع ساحل کالفرنی تصادف وزد و خوردی بین ژاپونیان و اهالی واقع میشود ولی از دوایر دولتی و شنکنن هنوز خبری در خصوص واقعه ساندیاگو و غیره واصل نشده است سفیر کبیر ژاپون مقیم امریکا در جواب استفسارات اظهار داشته که این شهرتها و مقالات فتنه آمیز از امخاص تکره ناشی شده و پیوسته از امریکا بژاپون و از ژاپون بامریکا نقل و گفته میشود و بالاخره نتیجه و اثر آنها ممکن است باعث اشکالات بین دولتین گردیده و منجر بزد و خود و جنگ شود این مقالات را معززی الیه پزبان سخت تقبیح و تکذیب می نمایند

در این رسیده نوشته است جناب الحسینی الکاشانی